

تبیین پدیده بدپوششی و بدحجابی و آرایه الگوی مناسب انتظامی

علی رحیمی^۱، آرزو دژبانی^۲، سید محسن موسوی^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۲/۲۵

از صفحه ۶۳ تا ۹۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۷/۱۷

چکیده

موضوع بدپوششی و بدحجابی در جامعه‌ی ما به عنوان یک چالش اجتماعی با تبعات منفی، همواره ذهن بسیاری از مسئولان را به خود مشغول کرده است. در این میان نیروی انتظامی به عنوان اصلی‌ترین ضامن اجرایی قانون حجاب در کشور، وظیفه مقابله با پدیده بدحجابی را در جامعه برعهده داشته و همواره سعی کرده تا با اجرای طرح‌های مختلف، نقش مؤثری در کاهش این پدیده ناهنجار اجتماعی و برخورد با متعارضان به این نماد فرهنگی داشته باشد. از این رو این پژوهش با هدف بررسی پدیده بدحجابی و آرایه الگوی مناسب برای مقابله مؤثر ناجا با آن انجام شده است. روش تحقیق پژوهش حاضر از نظر هدف؛ کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی - تحلیلی با استفاده از روش کیو است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل ۲۰ نفر از اساتید دانشگاهی (به عنوان نمایندگان دیدگاه نظری موضوع) و ۲۰ نفر از فرماندهان ارشد نیروی انتظامی (به عنوان نمایندگان دیدگاه عملی موضوع) است که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که در حوزه اقدامات برای برخورد با پدیده ناهنجار بدپوششی و بدحجابی، پلیس باید مواردی که در پی می‌آید را مدنظر قرار دهد تا به موفقیت برسد؛ ۱- ارائه آموزش لازم به مأموران اجرایی و گشت ارشاد به عنوان مهم‌ترین برنامه، قبل از اجرای هرگونه اقدام و طرح؛ ۲- انجام عملیات روانی و نرم، قبل از مقابله سخت؛ ۳- توجه و استفاده مناسب از رسانه به عنوان مهم‌ترین ابزار اطلاع‌رسانی و تبلیغات؛ ۴- مشخص کردن نوع الگوی پوشش مناسب و اطلاع‌رسانی آن به مردم؛ ۵- اختصاص یک خط تلفن برای پاسخگویی به سؤال‌ها، ابهام‌ها و انتقادهای مردمی؛ ۶- برخورد با اصنافی که لباس‌های نامناسب را در بازار عرضه می‌کنند.

کلید واژه‌ها

بدپوششی، بدحجابی، مهارت‌های ارتباطی، ناهنجاری اجتماعی، حجاب، نهاد فرهنگی.

۱ - کارشناس ارشد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول: RahimiAli@gmail.com)

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

۳ - کارشناس ارشد مدیریت دانشگاه علوم انتظامی امین و مدیر مطالعات علمی دفتر تحقیقات کاربردی سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.

مقدمه

بدون تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و نیز شکوفایی استعدادها مهم‌تر از امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست، به بیان دیگر از ساده‌ترین مناسبات اجتماعی نظیر ارتباطات رودررو تا پیچیده‌ترین تعاملات بشری امروز که تحت عناوین گوناگونی چون فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... مطرح است، زیر نفوذ مباحث امنیتی قرار دارد و بدون امنیت تصور شکل‌گیری و تداوم فعالیت‌ها تا اندازه‌ای غیرممکن است (رحیمی، ۱۳۸۸، ص ۸).

از منظر اجتماعی، پلیس سازمانی برای حفظ امنیت، برقراری نظم و ضابط قوه قضائیه در برخورد با متخلفان و مجرمان است. در کشور ما نیز طبق ماده ۳ قانون نیروی انتظامی، هدف از تشکیل این نیرو استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب در چارچوب قانون جمهوری اسلامی ایران عنوان شده است. در حقیقت نیروی انتظامی در کشور ما وظیفه دارد تا با هر نوع ناهنجاری که موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود و به نوعی به قانون، آداب و رسوم و فرهنگ اسلامی خدشه وارد می‌کند به مقابله برخیزد.

مقوله بدحجابی و بدپوششی از جمله ناهنجاری‌هایی محسوب می‌شود که نیروی انتظامی به عنوان ضامن اجرایی قانون، برابر بند «ج» ماده هشت قانون ناجا (مبارزه با منکرات و فساد)، وظیفه مقابله با آن را برعهده دارد.^۱ بی‌تردید زن در خانواده ستون حصین و استواری است که تزلزل در آن به راحتی می‌تواند کیان خانواده و در نهایت جامعه را به خطر بیاندازد، بر همین اساس توجه به این قشر و کنکاش و تفحص

۱ - در کشور ما، قانون‌گذار مقوله بدپوششی و بدحجابی را به عنوان جرم مشهود مطرح و برای آن قوانینی را عنوان می‌کند که از جمله این قوانین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در سال ۱۳۶۳ رعایت کامل حجاب اسلامی برای زنان، الزامی و بی‌حجابی و بدحجابی، جرم و مستوجب مجازات شلاق دانسته شد. در تبصره ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوبه ۱۳۶۲/۵/۱۸ آمده است: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شده به تعزیرات تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.»

- در سال ۱۳۷۵ با تصویب قانون تعزیرات، این مجازات به حبس یا جزای نقدی تغییر پیدا کرد. در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن آمده است؛ هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل جرمی کند، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

پیرامون مسائل و مشکلاتی که زنان در جامعه با آن روبرو هستند، از جمله وظایفی است که هر حکومتی در مسیر تامین آرامش اجتماعی بر عهده دارد.

در طول سی و چهار سال گذشته طرح‌ها و الگوهای مختلفی در بحث مقابله با بدحجابی و بدپوششی مطرح و اجرا شد و سازمان‌های قضایی و انتظامی تدابیر مختلفی را برای مقابله با هنجارشکنان اتخاذ کردند. این طرح‌ها اگرچه در نگاه اول نشان از دگرگونی در رویه بدحجابی در کشور داشت و حتی به صورت مقطعی تغییراتی نیز در نحوه پوشش زنان ایجاد کرد، اما متأسفانه تحقیقات نشان می‌دهد که در عمل نتوانسته‌اند خواسته عموم مردم را در این مسیر برآورده کنند و نقش مؤثری در کاهش این کج‌روی داشته باشند.

رفیع‌پور تحقیقاتی را در سه دوره زمانی شامل سال‌های ۱۳۵۶، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۱ از طریق نمونه‌گیری نظام‌مند در راستای تایید تغییر ارزش‌های مذهبی مردم انجام داد، نتایج حاصله نشان داد که میزان توجه به پدیده حجاب به عنوان یک ارزش مذهبی در طول این مدت کاهش زیادی داشته است.

تحقیق دیگری که در سال ۱۳۸۰ در تهران انجام شد، بار دیگر روند کاهش گرایش مردم به سمت چادر را نشان داد. این تحقیق که کانون توجه خود را بر حدود پوشش زنان قرار داده بود، ثابت کرد که حدود ۵۵ درصد از زنان تهرانی حدود پوشش خود را رعایت نمی‌کنند (سیفی کلور، ۱۳۸۷، ص ۷).

براساس نتایج این تحقیقات می‌توان چنین اذعان کرد که اجرای طرح‌های مقابله با بدپوششی و بدحجابی تاکنون نتوانسته‌اند به طور کامل در مسیر ارتقای جایگاه حجاب در جامعه^۱ (مطابق با شریعت دینی و فرهنگ بومی کشور) تأثیرگذار باشند و از عمق این مشکل اجتماعی در جامعه بکاهند، بنابراین نیاز است تا با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و نظرات کارشناسان این حوزه، راهکارهای قابل قبولی برای مقابله با این پدیده ضدفرهنگی ارائه شود. هدف اصلی این پژوهش، بررسی وضعیت پدیده ناهنجار بدپوششی و بدحجابی و ارائه الگوی مناسب مبارزه با این ناهنجاری است.

۱ - نباید فراموش کرد که حجاب در جامعه ما به عنوان نماد و پرچم کشور شناخته می‌شود و هر خانمی که از هر نقطه دنیا با هر پست و مقامی به کشور ایران وارد می‌شود، سعی می‌کند با رعایت پوشش خود به این نماد با ارزش احترام بگذارد.

بر این اساس در این پژوهش سعی شده است تا ضمن بررسی پدیده بدحجابی و بدپوششی با بهره‌گیری مناسب از نظرات کارشناسان و صاحب نظران، راهکار و الگویی مناسب برای برخورد موفق ناجا با این پدیده ناهنجار اجتماعی ارایه شود.

پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های انجام شده توسط محققان، تحقیقات مختلفی در زمینه پدیده بدحجابی و بدپوششی و راه‌های مقابله با آن در کشور انجام شده است که پس از مطالعه و بررسی این تحقیقات، آنها را می‌توان به سه بخش مختلف تقسیم کرد که در زیر به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

الف) نگرش عمومی به پوشش و جایگاه حجاب در بین مردم: در بحث نگرش عمومی به پدیده بدپوششی، تحقیقات زیادی صورت گرفته است. فیاض‌پور (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی اهمیت، ضرورت و حدود حجاب از دیدگاه دانشجویان دختر رشته علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور ساری پرداخت. نتیجه این تحقیق نشان داد که نگرش دانشجویان دختر نسبت به اهمیت حجاب مثبت است.

مرکز افکارسنجی اداره کل مطالعات اجتماعی ناجا (۱۳۸۳) نیز در یک نظرسنجی با عنوان «بررسی حجاب از دیدگاه شهروندان تهرانی»، مطالعه‌ای را بر روی کلیه شهروندان بالای ۱۵ سال تهران که به صورت تصادفی از پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران انتخاب شده بودند به اجرا درآورد. بر اساس این نظرسنجی ۷۷/۵ درصد از شهروندان معتقد بودند که بدحجابی به عنوان یک معضل در جامعه شیوع پیدا کرده است و ۸۰/۶ درصد نیز پوشش نامناسب را عاملی برای آسیب‌رسانی به امنیت اخلاقی جامعه عنوان کردند.

فرجی و حمیدی (۱۳۸۶) در نتایج تحقیقی تحت عنوان «بررسی نگرش زنان نسبت به انواع پوشش‌های رایج» عنوان کردند که:

۱- پوشش بیش از نیمی از زنان (۵۵/۸ درصد) در بیرون از خانه، ترکیب‌هایی از مانتو، شلوار با شال یا روسری یا مقنعه است و ۴۰/۵ درصد از زنان از ترکیب‌های چادر ایرانی یا عربی با شال یا روسری یا مقنعه استفاده می‌کنند.

۲- نتایج مربوط به استفاده از رنگ در پوشش نیز نشان داد که اکثر زنان (۹۱/۴ درصد) لباس‌های با رنگ تیره را در فضاهای رسمی و لباس‌های با رنگ روشن را در فضای خصوصی (۵۴/۹ درصد) و رنگ‌های تند (۲۰/۳ درصد) را در خانه و در مهمانی‌ها و مجالس زنانه استفاده می‌کنند.

۳- نتایج نگرش زنان نسبت به نوع پوشش بیرون از منزل این‌گونه بوده است که ۷۴/۶ درصد آنها به ترکیب مانتو، شلوار با روسری، ۶۳/۳ درصد به ترکیب مانتو، شلوار با مقنعه و ۵۰/۹ درصد به چادر و روسری نگرش مثبت داشتند.

۴- نتایج در مورد نگرش زنان به حالت لباس نشان داد که اکثر زنان یعنی ۹۰/۵ درصد، مخالف استفاده از لباس‌های نازک هستند و پس از آن مخالفان استفاده از لباس‌های تنگ و جذب (۸۳/۲ درصد)، شلوارهای کوتاه (۸۱/۶ درصد)، آستین کوتاه (۷۶/۱ درصد) و لباس‌های کوتاه (۶۹/۱ درصد) قرار دارند. حدود نیمی از زنان (۴۵/۷ درصد) موافق استفاده از لباس‌های گشاد و بلند هستند.

۵- نتایج نگرش به استفاده از رنگ در پوشش نیز نشان می‌دهند؛ اکثر زنان (۶۱/۳ درصد) موافق استفاده از لباس‌های با رنگ روشن هستند و پس از آنان افرادی قرار می‌گیرند (۵۷/۱ درصد) که با لباس‌های تیره برای فضای عمومی موافقت در حالی که اکثراً (۵۸/۱ درصد) مخالف استفاده از رنگ‌های تند هستند.

فرجی و حمیدی (۱۳۸۷) در تحقیقی دیگر تحت عنوان «بررسی فرهنگ پوشش و حجاب در زندگی روزمره زنان قم» به این نتیجه دست یافتند که ۹۲/۲ درصد از زنان قمی اعتقاد به حجاب داشته‌اند، ۹۱ درصد از آنها با احکام حجاب موافق بودند و ۸۰/۶ درصد موافق پیامدهای مثبت حجاب هستند.

نتایج این تحقیقات که در حوزه نگرش‌سنجی پوشش در کشور صورت گرفته است، نشان می‌دهد که اکثریت زنان و دختران جامعه، خود را ملزم به رعایت پوشش و حجاب می‌دانند و بدپوششی را به عنوان یک عامل مؤثر برای آسیب‌رسانی به امنیت اخلاقی جامعه معرفی می‌کنند و تنها طیف کوچکی از زنان و دختران جامعه به جایگاه پوشش در جامعه اهمیت نمی‌دهند.

ب) علل گرایش برخی زنان و دختران جامعه به بدپوششی: نتایج مطالعات اولیه محققان در خصوص نگرش مردم جامعه به حجاب نشان داد که اکثریت افراد تمایل به حفظ حجاب در جامعه دارند اما برخی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که جامعه به سمت کاهش تعلق به پوشش و حجاب در حرکت است و میل و رغبت به این پدیده فرهنگی در جامعه، سال به سال کاهش می‌یابد. برای مثال رفیع‌پور (۱۳۷۱) به این نتیجه رسید که ۸۶/۲ درصد از پاسخگویان معتقدند که در سال ۱۳۶۵ رعایت نکردن حجاب از نظر مردم ناهنجار بود که این میزان در سال ۱۳۷۱ به ۴۱/۵ درصد می‌رسد. همچنین ۸۱/۸ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که مردم جامعه در سال ۱۳۶۵ به خانم‌های چادری احترام می‌گذاشتند، در حالی که این رقم در سال ۷۱ به ۳۶/۸ درصد می‌رسد. (رفیع‌پور، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶ - ۱۶۹).

رفیع‌پور در تحقیق دیگری با تحلیل محتوای پر فروش‌ترین فیلم‌های سینمایی سال ۱۳۶۰ (برزخی‌ها)، (بایکوت)، ۱۳۷۰ (عروس) و ۱۳۷۲ (هنرپیشه)، تغییر ارزش‌های جامعه از فرامادی به مادی را در آیین سینما جست‌وجو کرده و فرضیه اصلی خود مبنی بر تغییر نظام ارزشی جامعه ایران از سال ۱۳۶۸ به بعد را تأیید کرده است. وی در ارتباط با تحقیق خود اظهار می‌دارد؛ «یکی از مهم‌ترین نمادهای مذهبی که پس از انقلاب بر رفتار و ارزش‌های افراد بسیار تأثیر داشته، حجاب و پوشش زنان است. این نماد به مثابه یک مَعْرِفِ مهم برای نشان دادن میزان اعتقاد هنجاری (نه اعتقاد فردی) و میزان نفوذ نهاد مذهب در جامعه است. از این‌رو، در فیلم‌های مذکور، هدف، بررسی این نکته بود که پوشش بازیگران تا چه حد مروج و مبلّغ این نماد یا نفی‌کننده آن است». تحلیل محتوای دو فیلم «برزخی‌ها» و «بایکوت» در مقایسه با فیلم «عروس» نشان می‌دهد که در دو فیلم نخست، زنان با پوششی متوسط یا بیشتر ظاهر شده‌اند، اما در فیلم عروس (پر فروش‌ترین فیلم سال ۱۳۷۰) از مجموع ۴۷ تصویری که از هنرپیشه زن نشان داده شده، ۳۴ مورد (۷۲ درصد) با پوشش و حجاب نسبتاً کمتر از متوسط بوده است و در فیلم هنرپیشه (پر فروش‌ترین فیلم سال ۱۳۷۲) بی‌توجهی به نمادهای مذهبی را حتی بیشتر از فیلم عروس اشاعه داده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۸ ص ۱۵-۱۴).

حسینی (۱۳۸۰) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی به پوشش زنان و عوامل مؤثر بر آن» نشان داد؛ دانشجویانی که والدینشان دارای پایگاه اجتماعی بالایی هستند، نسبت به پوشش زنان تمایل کمتری وجود دارند.

نتایج تحقیق دیگری که در سال ۱۳۸۵ توسط معاونت اجتماعی و ارشاد فرماندهی انتظامی استان مازندران، به منظور بررسی وضعیت حجاب انجام گرفت، نتایج نشان داد که ارتباطی بین تحصیلات و بدحجابی وجود ندارد؛ ارتباطی بین شغل و بدحجابی وجود ندارد؛ بین عامل جلب توجه و بدحجابی و عامل مُد و بدحجابی ارتباط وجود دارد؛ بین بدحجابی و عدم تنوع پوشش مناسب در جامعه ارتباط مستقیم وجود دارد و ماهواره و اینترنت نقش مهمی در گرایش به سمت بدحجابی و بدپوششی دارند.

لیلا مسرور (۱۳۸۸) نیز در تحقیقی تحت عنوان «بررسی نگرش فرهنگیان نسبت به عوامل مؤثر بر رعایت حجاب توسط معلمان» که در دانشگاه پیام نور شیراز انجام شده است، ثابت کرد که زندگی در محیط‌های مرفه شهری، مشاهده برخی فیلم‌های غیر ارزشی تلویزیونی، استفاده بی‌قید و شرط از ماهواره و استفاده از سایت‌های مستهجن اینترنتی از عوامل تأثیرگذار در گرایش به سمت بدپوششی در جامعه هستند.

آن‌گونه که تحقیقات فوق نشان دادند، توجه نکردن والدین و گروه همسالان فرد بدپوشش به مقوله حجاب، خود کم‌بینی، جلب توجه و گرایش به سمت رسانه‌هایی همچون ماهواره، تأثیر زیادی بر گرایش افراد به سمت بدپوششی دارد، اما شاید همه این عوامل را بتوان زیرمجموعه‌ای از یک مولفه اساسی که در تحقیق «بررسی راهکارهای هنجارسازی و تقویت گرایش دانشجویان به حجاب اسلامی» بدان توجه شده است، به حساب آورد. بر اساس نتایج این تحقیق، میان آگاهی دانشجویان خانم از فلسفه و احکام حجاب اسلامی با میزان رعایت این احکام ارتباطی مستقیم برقرار است، به گونه‌ای که با افزایش آگاهی، میزان رعایت نیز افزوده می‌شود.

ج) نقش پلیس در ارتقای این هنجار در جامعه: اکثریت قریب به اتفاق جامعه ما به حجاب و اهمیت آن اعتقاد دارند و گروهی به دلیل فقدان آگاهی و خصوصیاتی همچون تمایل به جلب توجه، خود کم‌بینی، تقلید کورکورانه از گروه همسالان، برنامه‌های ماهواره‌ای و ... به سمت بدپوششی و بدحجابی گرایش پیدا می‌کنند. اما در این حیطة



نقش پلیس به عنوان ضابط اجرای هنجارهای اجتماعی چیست؟ آیا پلیس می‌تواند در این حوزه وارد شود؟

ذوالفقاری (۱۳۸۵) در پایان نامه خود تحت عنوان «موانع و مشکلات ناجا در کنترل بدحجابی با قلمرو زمانی مهر ۱۳۸۴ تا خرداد ۱۳۸۵ و قلمرو مکانی کل کشور» به بررسی موانع و مشکلات ناجا از منظر شناختی و حقوقی در کنترل بدحجابی پرداخت و نتیجه گرفت که قریب به اکثریت پاسخگویان مسئله بدحجابی را به عنوان یک پدیده فرهنگی تلقی کرده و کنترل آن را به شیوه‌های فرهنگی خواستار شدند. در زمینه ارتباط کنترل بدحجابی و وظایف نیروی انتظامی نیز اکثریت پاسخگویان معتقد بودند که به جای برخورد فیزیکی، استفاده از تاکتیک‌های اقناعی، ترغیبی، تسهیلی و اجباری، زمینه را برای تغییر رفتار افراد و توسعه حجاب و مهار و کنترل بدحجابی فراهم می‌کند. در تحقیق دیگری که معاونت اجتماعی و ارشاد فرماندهی انتظامی استان مازندران به منظور بررسی وضعیت حجاب در سال ۱۳۸۵ انجام داد، بیش از نیمی از پاسخگویان نقش توأمان برخورد قانونی و ارشاد را در کاهش بدحجابی مؤثر دانستند.

امیری (۱۳۸۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در حوزه برخورد پلیس با پدیده بدحجابی، تلاش کرد به این سؤال پاسخ دهد که آیا اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در مقابله و کنترل بدپوششی دختران و زنان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر ساری اثربخش بوده است یا خیر؟ نتایج این تحقیق نشان داد که هر چه کنترل بدپوششی زنان، اطلاع‌رسانی توسط پلیس، رضایت مردم از اکیپ‌های گشت ارشاد و پایداری و حفظ الگوی حجاب توسط اکیپ‌های گشت ارشاد بیشتر انجام شود و هر چه رفتار مأموران پلیس مطلوب‌تر باشد و از روش‌های خوب و مناسب برای اجرای مأموریت خود بهره بگیرند، طرح ارتقای امنیت اجتماعی نیز موفق‌تر و دارای اثربخشی مطلوب خواهد بود.

براساس نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین که بی‌تردید نقش بسیار مهمی در پژوهش حاضر دارند، باید اذعان کرد که اکثریت قریب به اتفاق مردم، بدپوششی را به عنوان عاملی برای آسیب‌رسانی به امنیت اخلاقی جامعه معرفی می‌کنند، اما با این وجود، برخی از زنان و دختران اهمیت چندانی به آن نمی‌دهند. همچنین فقدان آگاهی را که با خود خصوصياتی همچون تمایل به جلب توجه، خودکم‌بینی، تقلید کورکورانه از

گروه همسالان، برنامه‌های ماهوراه ای و ... همراه دارد را عامل این پدیده می‌دانند. با توجه به جایگاه حجاب در فرهنگ بومی، دین و قانون کشور ما، نیروی انتظامی وظیفه دارد با این پدیده نابهنجار مقابله کند، بنابراین مردم برخورد فرهنگی و اقناعی در برخورد با این پدیده را بسیار مؤثر می‌دانند.

فرضیه پژوهش

طرح و بررسی فرضیه در مطالعات کیو مانند مطالعات کمی مطرح نیست، زیرا فرضیه برآمده از اعتقادات پژوهشگر یا یک نظریه است و در واقع چیزی است که محقق انتظار دارد رد یا قبول شود، در حالی که مطالعه کیو مبتنی بر ذهنیت و عقاید گروه خبرگان-کارشناسان و صاحب نظران انتخاب شده برای اجرای طرح بوده و به نوعی اکتشافی است.

مبانی نظری

حجاب: کلمه حجاب از حَجَبَ به معنای پناه بردن، حائل شدن و مانع شدن، گرفته شده است و در فرهنگ عمید به معنای پرده، ستر، نقابی که زنان چهره خود را با آن می‌پوشانند و روی‌بند آمده است (عمید، ۱۳۷۱). بنابراین حجاب در لغت به معنی پوشش و حائل بین دو چیز است و در هیچ موردی به معنای نوع سبک پوشیدن و نوع سبک لباسی که پوشیده می‌شود، به کار نرفته است (مطهری، ۱۳۶۶ ص ۸۷).

کلمه حجاب از آن نظر مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت، هر پوششی حجاب نیست و آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. قرآن کریم در داستان سلیمان (ع) غروب خورشید را این طور توصیف می‌کند؛ «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ»، یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۷۲).

مقصود از حجاب اسلامی آن نوع پوششی است که دارای دو ویژگی زیر باشد.

- حدود شرعی پوشش در آن رعایت شده باشد.

- با خودنمایی و جلب نظر نامحرمان همراه نباشد (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۷۲).

طبق این تعریف حجاب امری نیست که تنها به موضوع پوشش مرتبط باشد، بلکه امری رفتاری نیز هست. در این پژوهش منظور از حجاب، حجابی است که پلیس به عنوان پوشش مطلوب یک خانم در امکان عمومی تأیید کند.

بد حجابی: با توجه به مفهوم حجاب، بد حجاب تنها کسی نیست که حد واجب حجاب شرعی را رعایت نمی‌کند، بلکه ممکن است کسی این حدود را کاملاً رعایت کند اما در عین حال وضع ظاهر، نوع رفتارش با مردان، نوع سخن گفتن، نوع راه رفتن، حتی نوع نگاه به افراد و اطرافش و در یک کلام نوع رفتار ارتباطی او در اجتماع به گونه‌ای نامطلوب و مضر باشد، یعنی توجه نامحرمان را به خود جلب کند (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۸۰).

برخورد پلیس با پدیده بدپوششی: با توجه به اینکه در جامعه ما حجاب به عنوان یک باور دینی و یک الزام اجتماعی و قانونی مطرح است و بدحجابی در زمره جرایم منکراتی قرار دارد و برخورد با هرگونه منکر و فساد و متخلفان آن بر اساس بند «ج» ماده ۸ قانون ناجا به عهده نیروی انتظامی است (ذوالفقاری، ۱۳۸۵، ص ۷۷)، بنابراین ناجا^۱ موظف است با افراد بدپوشش به عنوان مخلان امنیت اجتماعی و ترویج کنندگان منکر و فساد در جامعه برخورد کند. در این پژوهش منظور از برخورد پلیس با پدیده بدپوششی، مجموعه اقداماتی است که پلیس به منظور ارتقای فرهنگ پوشش در جامعه انجام می‌دهد.

ارتباط: چارلز کولی ارتباط را چنین تعریف کرده است؛ «ارتباط سازوکاری است که روابط انسان بر اساس و به وسیله آن به وجود می‌آید و تمام مظاهر فکری و وسایل انتقال و حفظ آنها در مکان و زمان بر پایه آن توسعه پیدا می‌کند. ارتباط، حالات چهره، رفتارها، حرکات، طنین صدا، کلمات، نوشته‌ها و ... را در برمی‌گیرد» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵، ص ۶۲). در این پژوهش منظور از ارتباط، روابطی است که پلیس به منظور تغییر در رفتار افراد بدپوشش با دیگران برقرار می‌کند.

حجاب به مثابه یک هنجار سنتی، دینی و رسمی در ایران: با وجود اهمیت فرهنگ و تأثیر آن در جامعه، در گذر زمان و به دنبال دگرگونی‌ها و تحولات ناشی از رشد سریع فناوری، توسعه ارتباطات و شاهراه‌های ارتباطی، افزایش دانش بشری، مهاجرت، سیر

۱ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

صعودی رشد جمعیت، شهرنشینی، تقسیم‌کار پیچیده، تغییر ساختارهای حکومتی و... بسیاری از عناصر فرهنگی جوامع با تغییرات محسوسی روبه‌رو شده و حتی برخی از آنها به دست فراموشی سپرده شدند، اما در این میان برخی عناصر فرهنگی به واسطه میل و رغبتی که اکثر اعضای جامعه و نسل‌های متمادی نسبت به آنها دارند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده و به یک هنجار اجتماعی بدل شده‌اند. هنجارهای اجتماعی، شیوه‌های رفتاری معینی هستند که بر اساس ارزش‌های جامعه شکل می‌گیرند و با رعایت آنها است که جامعه نظم پیدا می‌کند (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۲۹). یک هنجار تعیین می‌کند که فرد در شرایط گوناگون چه رفتاری باید یا نباید داشته باشد (ممتاز، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

هنجارها بر مبنای میزان ارزش، اهمیت و پذیرش در میان مردم یک جامعه یکسان نیستند و صاحب‌نظران هنجارها را از این حیث به سه گروه به شرح زیر تقسیم می‌کنند.

الف) هنجارهای سنتی: هنجارهایی هستند که توسط فرد یا افرادی وضع نشده‌اند بلکه خودبه‌خود و به صورت تدریجی از اتفاقات روزمره زندگی سرچشمه گرفته و خاستگاهی جز جامعه ندارند و در زندگی روزمره بر مبنای سنت، عادت و آداب معمول دنبال می‌شوند. نقض این نوع هنجارها با عکس‌العمل شدید مواجهه نمی‌شوند.

ب) هنجارهای دینی: هنجارهای دینی، معلول آموزش دینی در جامعه مفروض هستند. برای مثال، فقه و شرع مقدس اسلام که از تعالیم دینی اسلام سرچشمه گرفته است، در طول قرن‌ها به وسیله مجتهدان و اندیشمندان دینی تنظیم و تدوین شده و تنها مرجع داور در کارها و مهم‌ترین هنجارها در ایران است. هنجارهای اخلاقی را نیز می‌توان در مقوله دینی به حساب آورد، هنجارهای اخلاقی مبتنی بر اعتقادات با اهمیت در میان مردم هستند و نقض آنها عکس‌العمل شدیدی را در پی دارد. کسانی که شیوه‌های اخلاقی را نقض کنند از نظر مردم پلید بوده و خطری برای جامعه محسوب می‌شوند.

ج) هنجارهای رسمی: هنجارهای رسمی مشتمل بر قوانین تشکیلاتی، اداری و مالی کشورها و واحدها و مؤسسه‌های تابعه هستند، مانند قانون اساسی، قانون مدنی، قوانین حقوقی و جزایی. هنجارهای رسمی به وسیله نمایندگان مجلس وضع می‌شوند و بخش اعظم کارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، اداری و سازمانی براساس آنها انجام می‌گیرد

و سازمان‌های قضایی و نیروی انتظامی برای نظارت بر اجرای آنها به وجود آمده‌اند (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۲۹).

در میان هنجارهای متعددی که بر مبنای سه شیوه یاد شده دسته‌بندی می‌شوند، پوشش در ایران^۱ از جمله هنجارهایی است که نمی‌توان آن را به یک گروه خاص اختصاص داد و با توجه به ارزش و اهمیت آن در میان اکثریت اعضای جامعه در طول تاریخ مذهبی، هویتی و قانونی کشور ما همواره مورد تأیید بوده است، به نحوی که بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان این حوزه از حجاب به عنوان مهم‌ترین ساختاری نام می‌برند که مجموعه منسجم میراث فرهنگی ایران را شرح می‌دهد و گرایش‌های رایج ایرانیان در باب «خود» و «دیگری» را به نمایش می‌گذارد (میلانی، ۱۹۹۲، ص ۲۳) از بُعد سنت، بررسی‌ها حکایت از آن دارند که در طول تاریخ، ایرانیان حجاب را به عنوان امری والا پاس داشته و بدان افتخار می‌کردند. بر اساس یافته‌های تاریخی، پوشش تمام بدن در دوره‌های مختلف تاریخی چه نزد زنان و چه نزد مردان ایرانی یک حقیقت بوده و در هیچ عصری، ایرانیان در برهنگی به سر نمی‌بردند تا آنجا که ویل دورانت، ایران را منشاء اصلی ترویج حجاب در جهان دانسته است (دورانت، ۱۳۸۲، ص ۷۸).

از بُعد دینی و مذهبی نیز حجاب و پوشش در ادیان مختلف از جمله زرتشت، یهود و مسیحیت به ویژه اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و تأکیدات بسیاری در این خصوص ارائه شده است. به طور کلی حجاب در دین مبین اسلام برگرفته از کتاب قرآن و روایات است و بنابر تعالیم صریح قرآن، کلیه فرقه‌های اسلامی علاوه بر اینکه بر ضروری بودن حجاب اتفاق نظر دارند، در مورد حدود آن نیز (پوشش همه بدن به جز دست‌ها تا مچ و صورت) هم عقیده هستند (شمس‌الدین، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴).

۱- حجاب در ایران آن‌گونه که معین در کتب فرهنگ لغت فارسی خود عنوان می‌کند در مفهوم «ستر» آمده است. شهید مطهری در کتاب «مسئله حجاب» در بیان معنی ستر می‌گوید: «استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها، کلمه ستر که به معنی پوشش است به‌کار رفته است ... بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم. زیرا چنانکه گفتیم معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست... پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.» (مطهری، ۱۳۸۶: ۷۳).

محققان معتقدند که مفسران و عالمان دینی، مسئله پوشش زن و حجاب او را از چهارده آیه قرآن و البته برخی دیگر عقیده دارند که از بیست و پنج آیه، استنباط و استدراک کرده‌اند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۴، ص ۶-۸). این آیه‌ها که در طول ده سال حکومت اسلامی در مدینه بر پیامبر نازل شد، ابتدا خطاب به زنان پیامبر بود، سپس مؤمنان را دربرگرفت و در ادامه، حکم جاری برای مسلمانان شد. اهمّ این آیه‌ها عبارت‌اند از آیه‌های ۳۱، ۳۲، ۵۳ و ۵۹ سوره احزاب و آیه‌های ۳۰ و ۳۱ سوره نور.

در کنار این آیه‌ها که خود به تنهایی گواه بر توجه دین مبین اسلام به مقوله حجاب است، روایات متعددی نیز از پیامبر (ص) و ائمه اطهار در این حوزه نقل شده است که علاوه بر تأکیدی که بر رعایت حجاب داشته، با ارائه دستورالعمل‌هایی، جامعه اسلامی را به سوی تهذیب و پاکی، رهنمون کرده‌اند.

سومین وادی هنجاری که حجاب را می‌توان در درون آن مورد کنکاش قرار داد، قوانین رسمی جامعه است که قدمت آن به پیروزی جمهوری اسلامی ایران می‌رسد. اهمیت و ارزش پوشش و حجاب در میان اکثریت جامعه منجر شد تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی مقوله پوشش به صورت یک الزام اجتماعی درآمده و به عنوان یک هنجار رسمی در جامعه مورد تأکید قرار گیرد و از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مبنای قانونی یابد. به طوری که در سال ۱۳۶۲ رعایت کامل حجاب اسلامی برای زنان الزامی و بی‌حجابی و بدحجابی جرم و مستوجب مجازات شلاق دانسته شد.

در تبصره ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوبه ۱۳۶۲/۵/۱۸ آمده است؛ «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شده به تعزیرات تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.»

در سال ۱۳۷۵ با تصویب قانون تعزیرات، این مجازات به حبس یا جزای نقدی تغییر پیدا کرد. در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن آمده است؛ «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی کند علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار کند، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. تبصره: زنانی که

بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دوماه یا از پنجاه تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. »

بنابراین همان‌گونه که اشاره شد، حجاب چه از بُعد سنت، چه از بُعد مذهب و چه از بُعد قانون در کشور ما به عنوان یک ارزش مطرح بوده است، ارزشی که بی‌تردید در تار و پود فرهنگ بومی ایران ردپای تأثیرگذاری داشته است، بر همین اساس توجه به آن به عنوان یکی از اولویت‌های مهم کشور محسوب می‌شود.

پیشینه طرح‌های مقابله با بدپوششی در ایران: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با پشت سر گذاشتن فراز و نشیب‌هایی که در باب نوع پوشش در جامعه ایجاد شد، این هنجار اجتماعی که به دلیل جایگاه هویتی-دینی آن در میان اکثریت جامعه مورد قبول بود، پوشش رسمی به خود گرفت.

امام خمینی (ره) در پانزدهم اسفند ۱۳۵۷ در اولین گام در مسیر تغییر در پوشش زنان بر مبنای ارزش‌های بومی در یک سخنرانی فرمودند: «وزارتخانه اسلامی نباید در آن معصیت بشود. در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌ها لخت بیایند؛ زن‌ها بروند اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند کار بکنند، لکن با حجاب شرعی باشند.» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹ ص ۱۵۰). سخنرانی امام (ره) هر چند عموم مردم ایران را به تحسین واداشت اما با حرکت‌های اعتراض آمیز برخی زنان سکولار همراه شد (اردلان، ۱۳۸۰ ص ۱۶۴) که این مسئله بعد از پایان رفراندوم ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸ پایان یافت.

از نیمه دوم فروردین همان سال، دولت به منظور ایجاد تغییر در فرهنگ حجاب در جامعه و بازگشت حجاب به جایگاه اصلی خود مطابق با فرهنگ بومی کشور، طرح‌هایی همچون پاکسازی در مطبوعات، طرح جدید گزینش دانشجو، زنانه و مردانه کردن دریا و ممنوعیت برگزاری تظاهرات و اجتماعات در دانشگاه تهران مطرح شد (اردلان، ۱۳۸۴ ص ۱۶۹). به دنبال آن، به تدریج رعایت حجاب در جامعه همه‌گیر شد، به گونه‌ای که حتی در فروشگاه‌ها، خواربار فروشی‌ها و مغازه‌ها، مردم از پذیرش زنان بی‌حجاب خودداری می‌کردند. در بسیاری از مغازه‌ها تابلوی مشابه «از پاسخگویی به خانم‌های بی‌حجاب معذوریم.» یا شعارهایی مبنی بر تشویق زنان به رعایت حجاب، دیده می‌شد.

علاوه بر این، یکسال بعد از انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌ها برای ایجاد دگرگونی در بنیاد نظام آموزشی و دست زدن به یک انقلاب وسیع و عمیق که بر مبنای اصالت‌ها و ارزش‌ها و حقایق انقلاب اسلامی استوار باشد (روزنامه کیهان، ۳۱ فروردین ۱۳۵۹) تعطیل شدند و لزوم رعایت حجاب برای زنان کارمند در ادارات و مدارس و همچنین در اماکن عمومی شکل قانونی به خود گرفت (روزنامه کیهان، ۱۲ تیر ۱۳۵۹).

این وضع با استقبال گسترده مردم مواجهه شد و زنان لائیک در مواجهه با سیل گسترده استقبال مردم از حجاب اسلامی، با پوشاندن خود، به شکل سایر زنان جامعه درآمدند و برخی از آنها نیز به خارج از کشور گریختند. در آبان‌ماه ۱۳۶۲ قانون مجازات اسلامی بعد از یک دوره فراز و نشیب و در شرایطی به تصویب رسید که پیش از آن، زنان در عمل و در عرصه عمومی محجبه شده بودند. بر اساس این قانون، زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شوند. با تصویب این قانون حجاب نیز همانند سایر هنجارها و ارزش‌های جامعه به یک الزام اجتماعی بدل شد که از طریق کنترل کننده‌های بیرونی نظیر نیروی انتظامی، دستگاه قضایی و ... مورد نظارت قرار می‌گیرد.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته به روش کیو انجام شده است. روش کیو، شامل تحقیقی است که برای دسته‌بندی گویه‌های مورد بررسی (عبارت، جمله، عکس، خبر و...) با استفاده از مقیاسی شبیه لیکرت انجام می‌شود (حبیب‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹). جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل ۲۰ نفر از اساتید دانشگاهی (به عنوان نمایندگان دیدگاه نظری موضوع) و ۲۰ نفر از فرماندهان ارشد نیروی انتظامی (به عنوان نمایندگان دیدگاه عملی موضوع) است که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری مورد تایید اساتید دانشگاهی و فرماندهان ناجا قرار گرفت و تجزیه تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار کوانل انجام شد.

در این پژوهش فضای گفتمان در دو دامنه؛ ۱- مجموعه اقداماتی که پلیس برای اجرای طرح مبارزه با پدیده بدپوششی باید مدنظر قرار دهد، شامل؛ الف) قبل از اجرای طرح و ب) بعد از اجرای طرح و ۲- نحوه برخورد مأموران پلیس با بدپوششان، شامل؛ الف) مهارت‌های ارتباطی مأموران پلیس، ب) نگرش مأموران پلیس، ج) سطح دانش مأموران پلیس و د) موقعیت مأمور پلیس در سیستم اجتماعی و فرهنگی منطقه؛ بررسی و برای هر دامنه تعداد مناسب عبارات نمونه کیو انتخاب شد که در مجموع، در برگیرنده ۱۲۰ عبارت در ابعاد مختلف فضای گفتمان بود. در ادامه با تشکیل یک گروه غیرمتمرکز کانونی این عبارات به ۸۰ عبارت تقلیل یافت و برای ارزیابی در اختیار اساتید دانشگاهی و فرماندهان ناجا قرار گرفت که در نهایت پرسش‌نامه نهایی متشکل از ۶۰ عبارت، تهیه و مورد استفاده قرار گرفت.

مدل نظری تحقیق

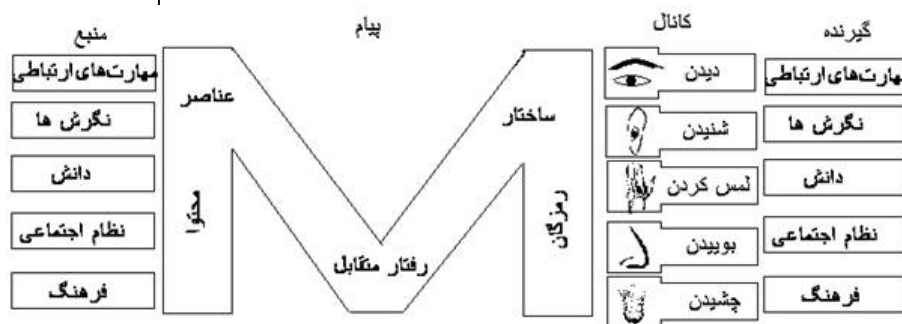
همانگونه که پیش از این اشاره شد، پلیس وظیفه دارد تا به دور از برخوردهای فیزیکی و خشن به مبارزه با پدیده بدپوششی بپردازد، برای دستیابی به این مهم، پلیس باید تلاش کند تا با اجرای راهکارهای مناسب، فرصت ارتکاب جرم را برای بزهکاران به حداقل برساند و از سوی دیگر با گسترش آموزش‌های عمومی و بالا بردن سطح آگاهی آحاد جامعه در زمینه پیشگیری از بزه و بزهکاری، نقش مثبت و تاثیرگذار اقشار مختلف مردم و نهادهای اجتماعی را در این راستا (که پیش شرط ضروری موفقیت تدابیر پیشگیرانه انتظامی است) افزایش دهد.

یکی از راه‌های مؤثر در این خصوص، توجه به نحوه برقراری ارتباط با مخاطبان است. به عبارتی پلیس از طریق چه کسانی، با بهره‌گیری از چه ابزاری، چه پیامی را به مخاطبان ارائه دهد تا بیشترین تأثیر مثبت را برای تغییر رفتار آنها در حوزه بدپوششی داشته باشد. در این تحقیق برای پاسخ به این سؤال‌ها، مدل برلو به عنوان مدل نظری مدنظر قرار گرفت. برلو (۱۹۲۹)^۱ که به‌شدت تحت تأثیر نظریه محرک- پاسخ در روان‌شناسی بود، در سال ۱۹۶۰ مدل ارتباطی طراحی کرد که به مدل فراگرد ارتباطی معروف شد. وی در این مدل عنوان کرد که یک ارتباط، هنگامی مؤثر خواهد بود که

۱ - Berlo

گیرنده با تلاش کمتری پاسخ مطلوب را ارائه دهد، به عبارتی به عقیده او، قصد و هدف تمامی رفتارهای ارتباطی آن است که پاسخی خاص از جانب فرد یا گروهی خاص را برانگیزد، وی بر این مبنا پنج اصل به شرح زیر را برای ارتباط مؤثر مطرح می‌کند.

۱- تواتر ارائه پیام، با پاداش و بدون پاداش؛ ۲- رقابت محرکی مفروض با محرک‌ها و پاسخ‌های دیگر؛ ۳- میزان پاداشی که در پی پاسخ به‌دست می‌آید؛ ۴- فاصله زمانی ارائه پاسخ و گرفتن پاداش؛ ۵. میزان تلاشی که گیرنده فکر می‌کند برای پاسخ مطلوب باید صرف کند (گیل، ۱۳۸۴ ص ۲۸۶). این مدل که در بسیاری از مقالات علمی مبنای طراحی مدل محسوب می‌شود، مدل جامعی است که از چهار عنصر ارتباطی منبع، پیام، کانال و گیرنده تشکیل می‌شود. از نظر برلو همه ارتباطات انسانی دارای منبع هستند. منبع، شخص یا گروهی است که با هدف و دلایل خاص اقدام به برقراری ارتباط می‌کند، یک منبع معین برای برقراری ارتباط باید ایده‌ها، نیازها، مقاصد، اطلاعات و هدف خاصی داشته باشد. در مرحله بعد منبع باید برای این نیازها، هدف خاصی را مدنظر بگیرد، هدف منبع باید به شکل یک پیام توضیح داده شود و در نهایت برای توضیح این هدف، منبع باید پیام خود را به رمز یا نمادی آشنا تبدیل کند. از نظر برلو برای اجرای این فرایند، منبع پیام باید حداقل از چهار ویژگی مهارت‌های ارتباطی، نگرش، سطح دانش و موقعیت در یک سیستم اجتماعی و فرهنگی برخوردار باشد.



نمودار ۱: مدل ارتباطی برلو

براساس منطق برلو در این مدل، می‌توان چنین اذعان کرد که ویژگی‌های منبع ارسال پیام (پلیس) و نوع پیام و کانالی که برای ارسال پیام انتخاب می‌کند، می‌تواند اهمیت بسیار زیادی در تغییر رفتار گیرنده (افراد بد پوشش و بد حجاب) داشته باشد.

بنابراین در مسیر برقراری ارتباط مؤثر، پلیس باید بداند که از چه افراد یا ابزاری، از چه طریقی و با چه بیانی (پیامی) خواسته‌های خود را به مخاطبان القاء کند تا نوع رفتار آنها را به سمت دلخواه هدایت کند.

یافته های تحقیق

براساس نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی بین پاسخگویان، براساس میزان مشابهت دیدگاه‌ها، پاسخگویان به دو گروه ۱۸ و ۲۲ نفره تقسیم شدند. گروه اول که از این پس تحت عنوان گروه اساتید دانشگاهی شناخته می‌شود، شامل ۱۸ نفر از اساتید است که دیدگاه‌های آنها بر مبنای نتایج تحلیل آماری، به یکدیگر مشابهت داشت. گروه دوم که از این پس تحت عنوان گروه فرماندهان ارشد ناجا شناخته می‌شود، شامل ۲۲ پاسخگویی (۲ نفر از اساتید دانشگاهی، نظراتی مشابه با نظرات فرماندهان ناجا داشتند). است که دیدگاه‌های آنها بر مبنای نتایج به دست آمده به یکدیگر مشابهت داشت.

مقایسه نظر این دو گروه متخصص براساس نمرات استاندارد نشان می‌دهد که از میان ۶۰ گویه مطرح شده، در ۵ گویه اختلاف نظر وجود دارد و در خصوص ۵۵ گویه دیگر اختلاف نظر فاحشی بین این دو گروه دیده نمی‌شود. همچنین از میان این ۵۵ گویه، ۲۵ گویه با میانگین Z مثبت، گویه‌هایی هستند که پاسخگویان بر تأثیر مثبت آنها بر طرح مقابله با بدپوششی توافق دارند و ۳۰ گویه دیگر که میانگین Z منفی دارند، گویه‌هایی هستند که پاسخگویان بر تأثیر منفی آنها بر طرح مقابله بدپوششی توافق دارند.

جدول شماره یک شامل گویه‌های مورد توافق دو گروه متخصص رسانه‌ای در خصوص ۵۵ گویه مورد توافق است. این جدول، گویه‌های مورد توافق دو گروه متخصص را با توجه به نمرات استاندارد از مقادیر مثبت (موافق) تا مقادیر منفی (مخالف) نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: نمره استاندارد گویه‌های مورد توافق پاسخگویان

شماره گویه	عنوان گویه	میانگین نمره Z
۱۱	مأموران گشت ارشاد قبل از اجرای مأموریت باید آموزش‌های لازم را برای برخورد با افراد بدپوشش ببینند.	۱/۷۹
۱	نوع پوشش مناسب باید مشخص شده و به مردم اطلاع‌رسانی شود.	۱/۶۰
۱۰	اختصاص یک شماره تلفن برای پاسخ به سؤالات، انتقادات و پیشنهادهای و ... بر اجرای طرح، تأثیر مثبت دارد.	۱/۲۶

شماره گویه	عنوان گویه	میانگین نمره Z
۴۵	استفاده از مأموران تحصیل کرده در رشته‌های روان‌شناسی و علوم اجتماعی تأثیر مثبتی بر اجرای طرح ارتقاء حجاب دارد.	۱/۲۱
۶	برخورد با اصنافی که لباس‌های مصداق بدپوشی را ترویج می‌دهند بر اجرای طرح، تأثیر مثبت دارد.	۱/۱۸
۲۱	قبل از اجرای طرح باید در خصوص نحوه اجرا، تبلیغات رسانه‌ای صورت گیرد.	۱/۱۱
۵۶	ارتباط مأمور گشت ارشاد با افراد بدپوشش باید توأم با لحنی آرام و صمیمانه باشد.	۱/۱۱
۲۴	تولید یک برنامه رادیویی و تلویزیونی با حضور کارشناسان نیروی انتظامی برای بررسی طرح، بررسی نوع پوشش، علت برخورد با بدپوششان، گفتگوی تلفنی با اعضای جامعه و ... در اجرای طرح مورد نظر تأثیر مثبت دارد.	۱/۰۸
۲۰	مأموران گشت ارشاد با ظاهری آراسته و لباس اتو کشیده، بهتر می‌توانند با مخاطبان خود ارتباط برقرار کنند.	۱/۰۵
۴	مأموران گشت ارشاد باید توان مناظره با افراد بدپوشش با استفاده از دلایل فرهنگی، مذهبی و قانونی را داشته باشند.	۰/۹۸
۲۸	تحصیلات مأموران گشت ارشاد (داشتن لیسانس و بالاتر) تأثیر مثبتی بر اجرای طرح ارتقاء حجاب دارد.	۰/۹۴
۵۷	پخش بروشور، اعلامیه و بنرهای تبلیغاتی در خصوص نوع پوشش ناهنجار، قوانین و مقررات و ... بر میزان تغییر رفتار افراد بدپوشش تأثیر مثبت دارد.	۰/۹۳
۵	اختصاص یک سایت در حوزه حجاب، در اجرای طرح ارتقاء حجاب تأثیر مثبت دارد.	۰/۹۰
۵۸	پخش رادیویی و تلویزیونی گزارش‌های مردمی، بر میزان تغییر رفتار افراد بدپوشش تأثیر مثبت دارد.	۰/۸۵
۳۳	نگرش مأمور به فرد بدپوشش باید به نحوی باشد که فرد بدپوشش به مأموران گشت ارشاد به عنوان یک راهنما بنگرند نه به عنوان یک مأمور قانون.	۰/۸۲
۴۱	تلاش برای متقاعدسازی فرد با توسل به منطق، بدون در نظر گرفتن عوامل هیجان‌زا مثل «واقع بینانه فکر کن، به نظر خودت اگر این لباس را می‌پوشیدی تذکری از پلیس دریافت می‌کردی؟» بر میزان تغییر رفتار افراد بدپوشش تأثیر مثبت دارد.	۰/۷۴
۲۷	بیان دیدگاه‌ها با قضاوت مثبت در خصوص فرد بدپوشش مثل «از شما که خانمی متشخص و تحصیل کرده‌ای هستی انتظار نمی‌رود و...» بر میزان تغییر رفتار افراد بدپوشش تأثیر مثبت دارد.	۰/۶۵
۷	استفاده از مأموران گشت ارشاد با سنین خدمتی بالا در اجرای طرح، تأثیر مثبت دارد.	۰/۶۱
۴۰	نشان دادن راه‌حل مناسب و قابل اجرا از سوی مأموران گشت ارشاد به فرد برای تغییر در پوشش وی بر میزان تغییر رفتار افراد بدپوشش تأثیر مثبت دارد.	۰/۶۰
۵۱	با بدپوششان نوجوان باید ملایم‌تر از بدپوششان بزرگسال برخورد کرد.	۰/۶۰
۶۵	استفاده از دانشجویان و اساتید دانشگاهی تحت عنوان پلیس یاران افتخاری به عنوان مأموران گشت ارشاد، در اجرای طرح تأثیر مثبت دارد.	۰/۵۴
۱۶	تشکیل کانون‌های حجاب با استفاده از افرادی که پس از ارشاد، پوشش خود را تغییر داده‌اند در اجرای طرح تأثیر مثبت دارد.	۰/۴۹
۱۹	یک مأمور گشت ارشاد در هنگام برخورد با فرد بدپوشش در ابتدای ارتباط به وی سلام می‌دهد و برای ایجاد ارتباطی مؤثر با فرد بدپوشش دست می‌دهد.	۰/۴۴
۵۳	دادن نمرات منفی در صورت تکرار رفتار ناهنجار به بدپوششان و اعمال قانون در صورت رسیدن این نمرات به حد مشخص بر میزان تغییر رفتار افراد بدپوشش تأثیر مثبت دارد.	۰/۳۶

شماره گویه	عنوان گویه	میانگین نمره Z
۱۵	مأموران گشت ارشاد برای توجیه اشتباه فرد بدپوشش باید قوانین مربوط به حجاب در جامعه را توضیح دهند.	۰/۳۵
۴۶	بعد از دستگیری فرد بدپوشش و قبل از اجرای قانون باید فرد از طریق کلاس‌های آموزشی تحت آموزش قرار گیرد.	۰/۳۴
۴۴	مأموران گشت ارشاد در هنگام برخورد با فرد بدپوشش به منظور حفظ حقوق شهروندی، بدون هیچ‌گونه جهت‌گیری، باید صحبت‌های او را بشنود و در ادامه، هدف از دستگیری فرد را با لحنی مناسب بیان کنند.	۰/۳۴
۲۵	اطلاع‌رسانی نوع پوشش ناهنجار از طریق بلوتوث و پیامک در اماکن پرتردد، در اجرای طرح تأثیر مثبت دارد.	۰/۳۱
۶۲	با لهجه صحبت کردن مأمور در اجرای طرح حجاب تأثیر منفی دارد.	۰/۳۰
۱۴	برگزاری نشست‌های خیابانی با حضور صاحب نظران و اندیشمندان این حوزه در اجرای طرح تأثیر مثبت دارد.	۰/۲۱
۱۸	حضور همزمان مأموران مرد و زن گشت ارشاد در کنار یکدیگر برای مقابله با پدیده بدپوششی، در اجرای طرح حجاب تأثیر مثبت دارد.	۰/۱۵
۳۹	اجرای مانورهای خیابانی مأموران گشت ارشاد در سطح شهر در اجرای طرح، تأثیر مثبت دارد.	-۰/۷
۴۳	مأموران در حین برخورد با بدپوششانی که قصد جنجال دارند، بدون هیچ‌گونه صحبتی وی را به خودروی گشت راهنمایی کنند.	-۰/۱۲
۵۴	عنوان این مطلب که «پلیس به علائق و دیدگاه‌های فرد بدپوشش احترام می‌گذارد اما قانون جامعه نوع رفتار فرد را نمی‌پسندد.» توسط مأموران گشت ارشاد در اجرای طرح حجاب تأثیر مثبت دارد.	-۰/۱۲
۶۰	انتقال افراد بدپوشش به کلینیک‌های روانشناسی، بر میزان تغییر رفتار افراد بدپوشش تأثیر مثبت دارد.	-۰/۲۵
۳۶	مأموران گشت ارشاد می‌توانند در حین برخورد با بدپوششانی که قصد جنجال دارند از اعمال زور استفاده کنند.	-۰/۴۳
۳۲	افسران جوان بهتر می‌توانند در تغییر رفتار افراد بدپوشش مؤثر باشند.	-۰/۵۳
۴۷	استفاده از مأموران کلاتتری محل در گشت ارشاد بر میزان تغییر رفتار افراد بدپوشش تأثیر مثبت دارد.	-۰/۵۴
۵۰	علاوه بر مأمورانی که برای گشت ارشاد انتخاب شده‌اند، سایر مأموران انتظامی نیز حق ارشاد افراد بدپوشش را دارند.	-۰/۵۹
۳۱	مأموران گشت ارشاد باید با هر فرد بدپوشش مانند خودش برخورد کنند، اگر او با لحنی آرام صحبت کرد آنها نیز به همین ترتیب صحبت کنند و اگر فرد قصد جنجال و تخریب داشت با وی با خشونت برخورد کنند.	-۰/۷۹
۱۲	قبل از اجرای طرح، مأموران پلیس باید به صورت آماده‌باش در تمامی خیابان‌های شهر مستقر شوند.	-۰/۹۷
۲۹	برای ارشاد فرد بدپوشش، مأمور گشت ارشاد می‌تواند وی را با اشاره دست به سمت خود هدایت کند.	-۱/۰۴
۲۶	مأموران گشت ارشاد در اجرای طرح نیازی به ایجاد ارتباط با افراد خاطی ندارد و باید بدون کوچک‌ترین بحثی فرد را به پایگاه‌های انتظامی هدایت کند.	-۱/۲۶
۳۸	شدت برخورد مأموران گشت ارشاد با افراد بدپوشش متأهل به خصوص کسانی که دارای فرزند هستند باید بیشتر از سایرین باشد.	-۱/۳۱
۳۷	نگاه مأموران گشت ارشاد به افراد بدپوشش باید از موضع قدرت و از بالا به پایین باشد.	-۱/۳۱

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال ششم، شماره سوم (پیاپی بیست و سوم)، پاییز ۱۳۹۲

شماره گویه	عنوان گویه	میانگین Z نمره
۳	بدپوشی در جامعه ما جرم است و نگاه مأموران گشت ارشاد به بدپوششان باید همانند سایر مجرمان (سارقان، قاچاقچیان و ...) باشد.	-۱/۳۵
۱۳	مأموران مرد گشت ارشاد می‌توانند با خانم‌های بدپوشش و بالعکس مأموران زن گشت ارشاد می‌توانند با مردان بدپوشش برخورد کنند.	-۱/۴۷
۵۵	کوچک کردن فرد بدپوشش با زدن پرچسب‌هایی مانند بی‌عرضه، بی‌بندوبار، زنیکه و... بر میزان تغییر رفتار افراد بدپوشش تأثیر مثبت دارد.	-۱/۵۷
۴۲	فریاد زدن و با صدای بلند صحبت کردن بر میزان تغییر رفتار افراد بدپوشش تأثیر مثبت دارد.	-۱/۶۲
۴۹	مأموران گشت ارشاد می‌توانند برای تسریع در هدایت فرد بدپوشش به داخل خودرو، وی را هل دهند.	-۱/۶۵
۲	یک مأمور گشت ارشاد در هنگام برخورد با فرد بدپوشش باید وی را بازرسی بدنی کند.	-۱/۷۳
۵۹	به کارگیری مأموران خشن و عصبی در گشت ارشاد بر میزان تغییر رفتار افراد بدپوشش تأثیر مثبت دارد.	-۱/۷۶
۱۷	مأموران گشت ارشاد برای مقابله با تکرار پدیده بدپوشی در میان افراد متأهل، می‌توانند آنها را در حضور همسران و فرزندان‌شان حقیق و حقیر کنند.	-۱/۸۴
۲۲	یک مأمور گشت ارشاد می‌تواند با جملات تمسخرآمیز (مثلاً موهایش را مثل اسب بسته، مثل سگ قلاده به گردن انداخته و ...) نوع پوشش فرد را در میان انتظار عمومی سبک جلوه دهد و موجبات خنداندن اطرافیان فرد بدپوشش را فراهم کند.	-۱/۸۷
۳۴	یک مأمور گشت مقابله با بدحجابی در هنگام برخورد با فرد بدپوشش، او را به نحوی خوار و خفیف می‌کند که فرد خاطی از تکرار عملش اجتناب کند.	-۲/۰۰

بر اساس جدول شماره یک، هر گویه‌ای که میانگین مثبت بالاتری را به خود اختصاص دهد، تأثیر مثبت بیشتری بر طرح دارد و گویه‌هایی که میانگین منفی بالاتری را به خود اختصاص دهند، تأثیر منفی بیشتری بر طرح مقابله با بدپوشی دارد. به عبارتی دیگر، هر چه عدد منفی یا مثبت کوچکتر شده و به سمت صفر حرکت کند از میزان اهمیت آن گویه کاسته می‌شود، بر همین اساس اساتید حوزه روش‌شناسی بیشتر بر گویه‌هایی تأکید دارند که نمره Z آنها بیشتر از (۰/۵) باشد و این تحقیق مدل خود را بر همین اساس بنیان گذاشته است. بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین گویه‌هایی که بر طرح مقابله با پدیده بدپوشی تأثیر مثبت دارند، عبارتند از؛ گویه شماره ۱۱ «مأموران گشت ارشاد قبل از اجرای مأموریت باید آموزش‌های لازم را برای برخورد با افراد بدپوشش ببینند» با نمره Z میانگین ۱/۷۹ از بیشترین توافق میان پاسخگویان برخوردار بود. این مسئله نشان از اهمیت توجه به آموزش پلیس قبل از اجرای یک طرح دارد، در حقیقت در بالای هرم شاخص‌های برخورد مأموران پلیس با

پدیده بدپوششی، آموزش قرار می‌گیرد. توجه به مسئله آموزش حتی در مصاحبه‌های محققین با اساتید دانشگاهی نیز بارها و بارها تکرار شد.

دومین گویه مورد توافق دو گروه، گویه شماره یک «نوع پوشش مناسب باید مشخص و به مردم اطلاع‌رسانی شود.» با نمره Z میانگین ۱/۶۰ بود. این مسئله نشان داد که از منظر پاسخ‌گویان، برای اجرای یک طرح موفق در جامعه و برقراری ارتباط مؤثر با مردم، بعد از آموزش به نیروهای حاضر در مأموریت، باید نسبت به اطلاع‌رسانی مسئله برای مردم اقدام شود. مردم باید از طرحی که قرار است پلیس اجرا کند اطلاع داشته باشند و این نکته کلیدی است که اساتید دانشگاهی به عنوان دومین مسئله مهم در اجرای یک طرح اجتماعی به آن توجه کردند.

گویه شماره ۱۰ (اختصاص یک شماره تلفن برای پاسخ به سؤالها، انتقادات و پیشنهادات و... بر اجرای طرح تأثیر مثبت دارد.) با نمره Z میانگین ۱/۲۶ سومین گویه‌ای بود که بیشترین توافق را میان اعضای جامعه آماری داشت. توافق بر سر این گویه نشانگر این مسئله است که توجه به انتقادات و پیشنهادهای مردمی می‌تواند در رفع کاستی‌ها و ارتقای نقاط قوت مؤثر بوده و تأثیر مثبتی بر اجرای طرح داشته باشد.

علاوه بر این آنها معتقد بودند که استفاده از مأموران تحصیل کرده در رشته‌های روان‌شناسی و علوم اجتماعی تأثیر مثبتی بر اجرای طرح ارتقاء حجاب دارد که بر استفاده از مأموران تحصیل کرده در رشته‌های روان‌شناسی و علوم اجتماعی در اجرای طرح ارتقای حجاب تأکید دارد.

توافق بر گویه شماره ۶ «برخورد با اصنافی که لباس‌های مصداق بدپوششی را ترویج می‌دهند، بر اجرای طرح تأثیر مثبت دارد.» با نمره Z میانگین ۱/۱۸ به عنوان یکی دیگر از گویه‌های تأثیرگذار بر طرح مقابله با پدیده بدپوششی، نشانگر این مسئله است که از منظر هر دو گروه، در صورت کنترل اصنافی که مروج لباس‌های بدپوششی هستند، در اجرای طرح موفق‌تر خواهیم بود.

توجه به تأثیر رسانه‌ها بر اجرای موفق طرح مقابله با پدیده بدپوششی یکی دیگر از مواردی است که پاسخگویان بر آن اعتقاد داشتند. بنابراین، اطلاع‌رسانی و تبلیغات

رسانه‌ای قبل از اجرای طرح توافق کردند. این مسئله نشان می‌دهد که تبلیغات در خصوص طرح می‌تواند در موفقیت آن مؤثر باشد.

برقراری ارتباط مأموران با بدپوششان با لحنی آرام و صمیمانه یکی دیگر از گویه‌هایی است که دو گروه بر اهمیت آن در اجرای طرح تأکید دارند. توجه به ظاهر مأموران پلیس دیگر گویه مورد توافق پاسخگویان است که نمره Z میانگین ۱/۰۵ را به خود اختصاص داد. این گویه عنوان می‌کند که مأموران گشت ارشاد با ظاهری آراسته و لباس اتوکشیده، بهتر می‌توانند با مخاطبان خود ارتباط برقرار کنند.

یکی دیگر از گویه‌هایی که پاسخگویان بر تأثیر مثبت آن تأکید دارد، گویه شماره چهار بود که اذعان می‌دارد؛ مأموران گشت ارشاد باید توان مناظره با افراد بدپوشش با استفاده از دلایل فرهنگی، مذهبی و قانونی را داشته باشند. شاید این موضوع در نگاه اول با نوع کارکرد پلیس هم‌خوانی نداشته باشد اما از نگاه پاسخگویان، زمانی که به دنبال انجام فعالیتی فرهنگی هستیم، باید نگاهی موشکافانه به موضوع داشته و برای ایجاد تغییری ریشه‌ای در افراد، توان پاسخ به سؤال‌ها و ابهام‌های آنها را داشته باشند.

همچنین اساتید دانشگاهی بر تأثیرگذاری گویه‌های دیگر از جمله؛ نگرش مثبت مأمور به فرد بدپوشش، انجام تبلیغات رسانه‌ای قبل از اجرای طرح، پخش بروشور، تراکت و بنرهای تبلیغاتی در خصوص نوع پوشش ناهنجار، قوانین و مقررات و استفاده از مأموران بومی برای اجرای طرح و ... تأکید کردند.

در کنار توافق اساتید و یا به عبارتی پاسخ‌گویان بر گویه‌هایی که تأثیر مثبت بر طرح مقابله با بدپوششی دارند، آنها گویه‌هایی که بر طرح مقابله با پدیده بدپوششی تأثیر منفی دارند را نیز مشخص کردند که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

اصلی‌ترین گویه‌ای که از منظر پاسخگویان تأثیر منفی بر طرح مقابله با بدپوششی دارد، این است که «یک مأمور گشت ارشاد می‌تواند با جملات تمسخرآمیز (مثلاً موهایش را مثل اسب بسته، مثل سگ قلاده به گردن انداخته و ...) نوع پوشش فرد را در میان انظار عمومی سبک جلوه دهد و موجبات خنداندن اطرافیان فرد بدپوشش را فراهم کند.» بود که این مسئله نشان می‌دهد که پاسخ دهندگان با خوار و خفیف کردن افراد بدپوشش در انظار عمومی به شدت مخالف هستند.

خفیف و خوار کردن زنان متأهل بدپوشش در حضور همسر و فرزندانشان دومین گویه‌ای است که پاسخ‌دهندگان بر تأثیر منفی آن بر طرح اذعان داشتند. پاسخگویان معتقدند: «مأموران گشت ارشاد نباید برای مقابله با تکرار پدیده بدپوششی در میان افراد متأهل آنها را در حضور همسران و فرزندانشان خفیف و حقیر کنند».

سومین گویه‌ای که پاسخگویان بر تأثیر منفی آن در طرح توافقی داشتند، گویه شماره ۵۹ بود که نمره Z میانگین ۱/۷۶- را به خود اختصاص داد. بر پایه این گویه، دو گروه اعتقاد داشتند که نباید مأموران خشن و عصبی در گشت‌های ارشاد به کار گرفته شوند. از دیگر گویه‌هایی که جامعه آماری بر آن توافق کردند، بازرسی بدنی افراد بدپوشش و بدحجاب بود، این مسئله نشان می‌دهد که از منظر پاسخ‌دهندگان، بازرسی بدنی مربوط به مجرمان است و بدپوششان و بدحجابان مجرم نیستند. در واقع گویه «مأموران گشت ارشاد نباید برای تسریع در هدایت فرد بد پوشش را به داخل خودرو، هل دهند»، انعکاس دهنده این است که نوع برخورد مأموران پلیس با افراد بدپوشش باید با نوع برخورد با سایر مجرمان و ناهنجاران متفاوت باشد و مهم‌ترین دلیل این مسئله نگرش مردم نسبت به این موضوع است.

خوار کردن فرد بدپوشش با زدن برچسب‌هایی مانند؛ بی‌عرضه، بی‌بند و بار، زنیکه و... (گویه شماره ۵۵) از دیگر موضوعاتی است که پاسخ‌دهندگان آن را به عنوان مانعی در اجرای موفق طرح می‌دانند.

یکی دیگر از موضوع‌هایی که دو گروه پاسخ‌دهندگان به نقش منفی آن در اجرای طرح مذکور اذعان کردند، برخورد مأموران مرد گشت ارشاد با خانم‌های بدپوشش و بالعکس، مأموران زن گشت ارشاد با مردان بدپوشش (گویه ۱۳) بود که بر تأثیر منفی آن بر اجرای طرح مقابله با پدیده بدپوششی همگی توافق کردند.

گویه شماره سه «بدپوششی در جامعه ما جرم است و نگاه مأموران گشت ارشاد به بدپوششان باید همانند سایر مجرمان (سارقان، قاچاقچیان و ...) باشد»، یکی دیگر از گویه‌هایی است که پاسخ‌دهندگان بر تأثیر منفی آن اذعان کردند. این گویه منعکس کننده این موضوع است که پدیده بدپوششی جرم نیست بلکه یک ناهنجاری فرهنگی است و نباید به بدپوششان همسان با سایر مجرمان نگریسته شود.

پاسخ‌دهندگان بر این اعتقاد هستند که «نگاه مأموران گشت ارشاد به افراد بدپوشش باید از موضع قدرت و از بالا به پایین باشد»، از دیگر گویه‌هایی است که اساتید دانشگاهی بر تأثیر منفی آن با یکدیگر به توافق رسیده‌اند. توافق بر سر این گویه که شاید بتوان به نوعی آن را هم‌راستا با گویه شماره سه عنوان کرد، نشان از این دارد که پاسخ‌دهندگان در مسئله مقابله با بدپوششی نگاه نرم‌افزاری را بیش از نگاه سخت‌افزاری می‌پذیرند و معتقد بر این هستند که یک مأمور در طرح مقابله با بدپوششی به نوعی یک راهنما است تا یک مجری قانون.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که پیش از این عنوان شد، مدل نهایی تحقیق برآمده از دیدگاه فرماندهان ناجا و اساتید دانشگاهی در خصوص عبارات نمونه بود که نتیجه آن دستیابی به الگوی مناسب برای برخورد انتظامی با پدیده بدپوششی است.

دو گروه جامعه آماری، در حوزه اقداماتی که پلیس برای اجرای طرح باید مدنظر بگیرد در وهله اول بر مسئله آموزش مأموران گشت ارشاد تأکید داشتند و به نوعی بار دیگر فلسفه آموزش قبل از اجرای طرح‌های انتظامی تأکید کردند. اهمیت آموزش از منظر پاسخ‌دهندگان به حدی است که از دیدگاه آنها حضور سایر مأموران انتظامی و حتی مأموران کلانتری محل در این حوزه و برخورد آنها با بدپوششان، تأثیر منفی بسیار عمیقی بر بدنه طرح خواهد داشت.

مشخص کردن نوع پوشش ناهنجار و نامناسب و اطلاع‌رسانی آن به مردم، دومین مسئله‌ای بود که از منظر پاسخ‌دهندگان برای اجرای طرح مهم تلقی می‌شود. مشخص نکردن دقیق نوع پوشش که نتیجه‌ای جز سلیقه‌ای عمل کردن مأموران در برخورد با بدپوششان به همراه ندارد، از چالش‌های مهمی محسوب می‌شود که اجرای موفق طرح را با مشکل روبه‌رو می‌کند. گاهی مشاهده می‌شود که فرد بدپوشش از نظر یک مأمور، ناهنجار و از منظر مأمور دیگر، هنجار به حساب می‌آید و نبود یک الگوی مناسب، درگیری زیادی میان مردم و مأموران ایجاد می‌کند، بر همین اساس توجه به این مسئله از سوی مسئولان از جمله اقدامات اولیه‌ای است که می‌تواند در موفقیت طرح مؤثر باشد.

سومین مسئله‌ای که پاسخ‌دهندگان بر توجه به آن تأکید داشتند، اختصاص یک تلفن برای پاسخگویی به سؤال‌ها، ابهام‌ها و انتقادهای مردمی است. در مصاحبه‌هایی که محققان با پاسخ‌دهندگان داشتند به این نتیجه رسیدند که اختصاص یک تلفن برای حل مشکلات مردم در این حوزه از بُعد روانی تأثیرات بسزایی دارد، بنابراین لازم است که قبل از آغاز طرح، تلفنی مجزا از سامانه ۱۹۷ برای این منظور اختصاص یابد.

مسئله بعدی که پاسخ‌دهندگان بر تأثیر مثبت آن در اجرای طرح تأکید داشتند، مسئله برخورد با اصنافی بود که لباس‌های نامناسب و ناهنجار را در بازار عرضه می‌کنند. از نظر پاسخ‌دهندگان یکی از علل اصلی ترویج بدپوششی، ورود کالا به بازار مصرف است. به عقیده آنها اگرچه معدود افراد ناهنجاری با مشاهده مدهای غربی از طریق ماهواره یا سایت‌های اینترنتی به سمت این الگوها حرکت می‌کنند اما بخش زیادی از افراد بدپوشش، کالای خود را از بازار و اصناف تهیه می‌کنند و برخورد با این توزیع‌کنندگان می‌تواند در پیچه روشنی در مسیر کاهش روند رو به رشد بدحجابی در جامعه باشد.

رسانه‌ها نیز ابزار دیگری هستند که می‌توانند در مسیر موفقیت طرح مورد نظر مؤثر واقع شوند. رسانه‌های جمعی از جمله عوامل اساسی شکل‌دهی به افکار عمومی هستند که با بهره‌گیری از قدرت نفوذ بر خود، تأثیری شگرف، قوی، بی‌بدیل و بی‌رقیب بر اندیشه و رفتار مخاطبان بر جای می‌گذارند (گینز^۱ و بوریمر^۲، ۱۳۸۱، ص ۱۵). بر این اساس توجه به رسانه از اصولی است که از زمان شروع طرح باید مدنظر مسئولان قرار گیرد.

پاسخ‌دهندگان ایده‌هایی نیز در راستای بهبود عملکرد طرح در زمان اجرا ذکر کردند که مهم‌ترین آنها بار دیگر به حوزه تبلیغات مربوط می‌شود. تولید یک برنامه رادیو-تلویزیونی با حضور کارشناسان نیروی انتظامی برای بررسی طرح و مسائل مربوط به آن، پخش تراکت، بروشور و بنرهای تبلیغاتی به‌منظور اطلاع‌رسانی نوع پوشش مناسب و قوانین حاکم بر آن، اختصاص یک سایت در حوزه حجاب و در نهایت، پخش رادیویی و تلویزیونی گزارش‌های مردمی در این حوزه، نشان از توجه پاسخ‌دهندگان به اهمیت

۱ - Gibins

۲ - Burimer

عملیات روانی در این حوزه دارد. بنابراین پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که پلیس قبل از برخورد سخت با بدپوششان می‌تواند با اجرای یک عملیات روانی موفق، برخورد نرم را سرلوحه کار خویش قرار دهد و در صورت لزوم به برخورد سخت روی آورد، مسئله‌ای که علاوه بر پاسخ‌دهندگان، بسیاری از صاحب نظران و اندیشمندان این حوزه بر آن تأکید کرده‌اند.

در حوزه نحوه برخورد مأموران پلیس با بدپوششان نیز نتایج تحقیق نشان داد که مهم‌ترین عامل در ایجاد ارتباط مؤثر در این طرح، داشتن تحصیلات در رشته‌های علوم اجتماعی و یا روانشناسی است (سطح دانش)؛ براساس نظر پاسخ‌دهندگان، اولین ویژگی یک مأمور موفق، شناخت جامعه و روحیات افراد آن است. مأمور باید بداند چگونه با یک فرد خشن برخورد کند تا موجب تنش نشود و باید بداند با فردی که به اشتباه خود اقرار می‌کند چه رفتاری داشته باشد؟

عامل دوم در مسیر موفقیت یک مأمور، داشتن لحنی آرام و صمیمانه (مهارت ارتباطی) است. یک مأمور باید توان جذب مخاطبان را داشته باشد، نحوه برخورد او باید به گونه‌ای باشد که مردم به شنیدن حرفهایش تمایل داشته باشند، وقتی کسی را ارشاد می‌کند، توان مناظره داشته باشد و همانند یک راهنما به دور از احساسات با جملات علمی و منطقی فرد را به سمت تغییر دیدگاه هدایت کند. یکی دیگر از ویژگی‌های یک مأمور، داشتن تجربه کافی در مواجهه با هرگونه اقدام از سوی افراد بدپوشش است و بی‌تردید دلیل اصلی تأکید پاسخ‌دهندگان به استفاده از مأموران با سنین بالای خدمتی و اجتناب از مأموران جوان همین مسئله باشد.

علمی همچون تحلیل شکاف، می‌تواند به مقایسه وضعیت موجود و وضعیت مطلوب بپردازد و فاصله‌های احتمالی را به واسطه برنامه‌های توسعه‌ای از میان بردارد. فاصله‌هایی که اگر در تمامی مأموریت‌های ناجا از بین نروند، عرصه اعتمادسازی مردم به این نیرو روز به روز کمتر می‌شود. براساس نتایج این تحقیق، پیشنهادهایی به شرح زیر به منظور استفاده مسئولان و پژوهش‌های بعدی ارائه می‌شود.

✓ تشکیل یک گروه دلفی برای تحلیل کامل‌تر نتایج این پژوهش به صورت جلسات طوفان فکری که در آن گویه‌های مورد توافق و اختلاف، مورد تضارب آرا قرار گیرد و در نهایت نتایج این پژوهش با آرای حاصل از این هم‌اندیشی استخراج شود.

✓ آموزش برخی کارکنان نیروی انتظامی و یا عضو اختیاری پلیس برای حضور در گشت‌های ارشاد مبتنی بر مدل ارائه شده و برگزاری کلاس‌های آموزشی برای آموزش شرایط و مواردی که یک مامور گشت در حین برخورد با مردم باید مدنظر قرار دهد.

✓ استفاده از افراد تحصیل کرده به ویژه در رشته‌های روانشناسی و علوم اجتماعی که نحوه برخورد با مردم را می‌دانند.

✓ استفاده از رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری برای آشنایی مردم با مقوله حجاب، قوانین حاکم بر این هنجار، نحوه برخورد با بدپوششان و

✓ اهمیت دادن به ابزارهای تبلیغاتی نوین به ویژه بلوتوث، پیامک و وبگاه‌های اینترنتی برای ارتباط مستقیم با افراد جامعه.

تلاش برای شنیدن نقطه نظرات، انتقادات و پیشنهادهای مردمی با اختصاص یک تلفن، وبگاه و یا ضبط گزارش‌های رادیو-تلویزیونی از مردم.

منابع

- قرآن کریم.
- اباذری، یوسف؛ چاوشیان، حسن (۱۳۸۱)، «از طبقه اجتماعی تاسبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، سال نهم، شماره ۲۰، صص ۳-۲۸.
- اردلان، پروین (۱۳۸۰)، «حجاب به روایت تاریخ»، مجموعه مقالات جنس دوم، تهران: نشر توسعه.
- امیری، رمضان‌علی (۱۳۸۶)، «برخورد پلیس با پدیده بدحجابی»، پایان نامه کارشناسی ارشد. مازندران: دانشگاه ساری.
- بشریه، حمید (۱۳۸۵)، «فرهنگ از دیدگاه انسان‌شناسی و قوم‌شناسی». تهران: نگاه معاصر.
- دورانت، ویل (۱۳۸۱). «تاریخ تمدن، قیصر و مسیح». ترجمه حمید عنایت، پرویز داریوش و علی‌اصغر سروش، تهران: شرکت انتشارات علمی - فرهنگی.
- حبیب زاده، اصحاب (۱۳۸۱). «عوامل مؤثر بر کارایی روابط عمومی». پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ذوالفقاری، حسین (۱۳۸۵). «موانع و مشکلات ناجا در کنترل بدحجابی». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال اول، شماره اول، صص ۶۸-۸۹.
- راجرز، اورت میچل (۱۳۸۷). «تاریخ تحلیلی علم ارتباطات، رویکردی شرح حال‌نگارانه». ترجمه غلامرضا آذری، تهران: دانژه.
- رضایی، محمد حسین (۱۳۸۲). «تحلیل جامعه‌شناختی پوشش اسلامی». تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷). «توسعه و تضاد». تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). «وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزشهای اجتماعی». تهران: کتاب فرا.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۴). «آسیب‌شناسی اجتماعی». تهران: آوای نور.
- سیفی کلور، معصومه (۱۳۸۷). «بررسی عوامل مرتبط با نگرش دانشجویان دختر نسبت به حجاب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- عمید، حسن (۱۳۷۱). «فرهنگ عمید». چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرجی، مهدی؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۶). «بررسی نگرش زنان نسبت به انواع پوشش‌های رایج». تهران: توسط گروه پژوهشی مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- فرجی، مهدی؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷). «بررسی نگرش زنان نسبت به انواع پوشش‌های رایج». قم: توسط گروه پژوهشی مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فیاض پور، فاطمه (۱۳۸۶). «بررسی اهمیت، ضرورت و حدود حجاب از دیدگاه دانشجویان دختر رشته علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور ساری». پایان نامه کارشناسی ارشد، مازندران: دانشگاه پیام نور ساری.
- گیل، دیوید؛ بریجت، آدمز (۱۳۸۴). «الفبای ارتباطات». ترجمه رامین کریمیان و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۲). «مقدمات جامعه‌شناسی». تهران: نشر دوران.
- مسرور، لیلا (۱۳۸۸). «بررسی نگرش فرهنگیان نسبت به عوامل مؤثر بر رعایت حجاب توسط معلمان». پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه پیام نور شیراز
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). «مسأله حجاب». تهران: انتشارات صدرا.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۵)، انحرافات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۹). «صحیفه نور». تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Miller, Katherine (۱۹۹۴), *Organizational communication*, Wadsworth.

